

شناخت محتوای فضای شهری*

دکتر حمیدرضا پارسی*

چکیده:

موضوع فضای شهری از جمله مباحث پرجاذبه‌ای است که بسیاری از اندیشمندان مسایل شهری به آن توجه داشته و اهمیت آن را اساساً به جهت رابطه‌ای می‌دانند که آن با راهبردهای اجتماعی، پالایش ساخت اجتماعی، تولید کیفیت انسانی-عاطفی در جامعه، بیان زندگی فعال مردم، فعالیت سیاسی، زندگی سالم شهری و مانند آن دارد. اما از آنجا که عمدتاً شناخت، تحلیل و تولید این گونه فضاها در شهر غالباً با تاکید بر جوانب زیبایی شناختی و با تکیه بر فرم فضا صورت پذیرفته و کمتر به محتوای فضا توجه شده است، لذا لازم است ضمن توجه به فرم، به محتوای آن توجه شود.

موضوع این مقاله بیان چارچوب نظری محتوای فضای شهری با تاکید و توجه به عوامل موثر و نیروهای اجتماعی-فرهنگی تعیین کننده‌ی محتوای فضا است. این چارچوب، ما را در درک و تحلیل محتوایی فضای شهری یاری رسانیده و در تولید این گونه فضاها اثری راهبردی دارد. از سوی دیگر، با ارائه این چارچوب تعریف مفهوم فضای شهری توسعه یافته و آن را به مثابه عرصه‌ای عمومی-اجتماعی، فرهنگی و کالبدی معرفی می‌کند که نه فقط می‌بایست واجد ویژگی‌های زیبایی شناختی باشد بلکه باید به عنوان فضای شهری بستر حیات مدنی شهر باشد این ویژگی حاصل عمل نیروهای اجتماعی-فرهنگی است. نیروهایی که طالب فضای عمل اند و به پشتوانه پویش های مدنی جامعه که فضایی مدنی را تدارک دیده اند، به تولید فضای شهری نائل می‌آیند. به این ترتیب، فضای شهری نه فقط با فرم بلکه با محتوایش تعریف می‌گردد.

واژه‌های کلیدی:

فضای شهری، نیروهای فرهنگی-اجتماعی، نظام فعالیت‌ها، پویش های مدنی، پویش های شهرگرایی، نهادها، فرهنگ.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه دوره دکتری دکتر حمیدرضا پارسی در رشته شهرسازی است.

** عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

مقدمه

بنابراین بنظر می رسد تا زمانی که:

۱) تعریف روشنی از محتوای فضای شهری صورت نگرفته، عناصر سازنده، عوامل موثر و نیروهای تعیین کننده مورد شناسایی قرار نگیرد.

۲) چارچوب رابطه دو سویه و متقابل نیروهای اجتماعی و عوامل تعیین کننده فضای شهری با کالبد شکل یافته فضای شهری تحلیل نشود.

بدیهی است که:

اولاً، شناخت حدود و قلمرو سیستمی فضای شهری در شهر.

ثانیاً، تحلیل فضای شهری

ثالثاً، سیاستگذاری و برنامه ریزی آن برای طراحی فضای شهری امکان پذیر نخواهد بود.

به گفته دیوت کانتر: "تحلیل فضای شهری مستلزم تدوین چارچوب نظری است که مکان ها را با زندگی و تجربه مردم مربوط ببینند و به رابطه بین مردم، فعالیت های آنان و فضاهایی که خلق می کنند و یا در آن سکونت می کنند ناظر باشد".^۱

لذا در مقاله حاضر با هدف تدوین چارچوب نظری برای شناخت قلمرو سیستمی فضای شهری و تحلیل آن ابتدا سعی می شود با نگاهی تحلیلی به آرای برخی اندیشمندان، تعریف روشنی از محتوای فضای شهری و عناصر سازنده آن ارائه گردد و سپس عوامل و نیروهای موثر بر آن بررسی شود. انتظار می رود این چارچوب بتواند گام موثری در تعیین راه های تولید فضای شهری و هدایت و کنترل آنها باشد.

موضوع تولید، تقویت و توسعه فضای شهری مناسب، فعال، پویا و زنده به عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط در محیط های مصنوع شهری، همواره در صدر کار برنامه ریزان و طراحان شهری قرار دارد. اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش موثری است که این گونه فضاها در جامعه دارند و این مهم بارها از سوی بسیاری از دست اندرکاران مسایل شهری، اجتماعی و روان شناسی مانند: (پاتریک گدس: ۱۹۱۵، گوردن کالن: ۱۹۵۹، کوین لینچ: ۱۹۶۱، لوئیس مامفورد: ۱۹۶۱، جین جیکوب: ۱۹۶۱، فرانسواز شوای: ۱۹۶۹، کنزوتانگه: ۱۹۶۶، ملوین وبر: ۱۹۶۷، ادموند بیکن: ۱۹۷۳، اموس راپاپورت: ۱۹۷۷ و ۱۹۷۵، ادوارد کروپات: ۱۹۸۵، کارولین فرانسواز: ۱۹۸۸، دیوید هربرت: ۱۹۸۱ و ۱۹۹۱، جان موننگمری: ۱۹۸۸، یان بنتلی: ۱۹۹۹) مطرح شده است.

اما تجربه نشان می دهد به رغم توجه اندیشمندان و تاکیدهای آنان، تلاش برای ایجاد، احیا و تقویت فضای شهری عموماً موفقیت همراه نبوده و به نظر می رسد می توان به برخی دلایل آن چنین اشاره کرد:

- ۱- غلبه اصالت شکل در شناخت، تحلیل و طراحی فضای شهری.
- ۲- رشد یکسو نگرانه گرایش های روان شناختی شهری و کم توجهی به بستر اجتماعی.
- ۳- عدم شناسایی دقیق عوامل اجتماعی موثر در محتوا و فرم فضای شهری و سازوکار آنها.
- ۴- عدم کفایت تعریف موجود از محتوای فضای شهری.

چارچوب نظری محتوای فضای شهری

۱- تحلیلی از آرای برخی اندیشمندان درباره مفهوم فضای شهری

ساخته شد، از عمل انسانی، جدایی ابژه و سوژه، و موضوع جدایی جدل آمیز مبتدا و متأخر بودن فرم یا عملکرد بویژه در بین معماران رواج یافت.^۲

این جدایی بازتاب گسست تاریخی علوم، هنرها و فلسفه است.، گسست مفهوم زندگی عمومی، ناهماهنگی نهادهای جامعه و پیشی گرفتن نهادهای اقتصادی از سایر نهادهاست.

پاتریک گدس این جدایی را بگونه ای منطقی بیان کرده و در نموداری که از وی بجاست این وضع را ناشی از مرحله زندگی انسان ها می داند که هنوز زندگی موثر و فعال انسان ها تحقق نیافته. "شهر آرمانی و فضای آرمانی" وی محصول آفرینش مردم است. یک زندگی به واقع فعال که عناصر اصلی آن عقل، هنر، سیاست، نمایش، حرکت، هماهنگی زندگی و شروع تاریخ انسان ها و مانند آن است.^۳ به نظری فضای شهری به واقع زمانی زاده می شود که عناصر فوق در آن زایش یابد.

موضوع فضای شهری و تولید آن در تاریخ اندیشه شهرسازی سابقه طولانی دارد و عمر آن تقریباً به عهد باستان می رسد. مطالعه تاریخ فضاهای شهری نشان می دهد "این موضوع در عهد باستان به عنوان محصولی زیباشناختی هیچگاه از مقصودی که این فضاها در جهت آن ساخته می شدند جدا نبوده است. در این دوران سازمان فضایی شهر و فضای شهری وابسته به آن نتیجه عمل اجتماعی و سیاسی در قلمرو عمومی بود. در معنی معین خود، شهر همان قدر یک اثر هنری اندیشیده شده بود که امری عملکردی. تعارضی بین طبیعت و فرهنگ نبود. طبیعت به همان اندازه غایی تصور می شد که فرهنگ انسان و شهر به عنوان یک اثر هنری، هم طبیعی بود و هم انسانی. افلاطون می اندیشید که آنچه کامل است زیباست و آنچه زیباست کامل است و تمایزی بین فرم و فعالیت نیست. هر دو یکی اند.^۴ از اواخر قرن هجدهم مفهوم فضای شهری دگرگون شد "از این زمان موضوع جدایی شکل

۲- محتوای فضای شهری: عناصر، عوامل، و نیروهای موثر

موضوع محتوای فضای شهری در طی سال های پس از جنگ دوم جهانی محور بحث های گوناگون بوده و اندیشمندان رشته های مختلف به آن پرداخته اند. از این جمله می توان به جغرافی دانان (دیویدهاروی ۱۹۶۱، دیوید هربرت: ۱۹۸۱، ۱۹۹۹...) مردم شناسان (لوی استراوس: ۱۹۶۲، بوردو: ۱۹۷۲، ۱۹۷۷ و...) جامعه‌شناسان نظری (آنتونی گیدنز: ۱۹۸۱، هربرت گنر: ۱۹۶۱ و...) باستان‌شناسان (اکو: ۱۹۷۲، کلارک: ۱۹۷۷، رنفرو: ۱۹۷۷ و هولدر: ۱۹۷۸...) و برنامه ریزان شهری (هاروی، کاستلز: ۱۹۷۱، هانسون و هیلی: ۱۹۸۴، یان بنتلی: ۱۹۹۹ و...) اشاره کرد. براین اساس بنظر می رسد برای تبیین عناصر، عوامل و نیروهای شکل دهنده فضای شهری اولاً باید به رشته هایی توجه داشت که با اثر زندگی اجتماعی بر سازمان فضایی سروکار دارد، ثانیاً فضای شهری باید بستر زندگی عمومی و اجتماعی مردم جامعه تلقی می شود. ثالثاً محتوای اجتماعی این فضا، که آن را بیش از پیش به عنوان پدیده ای اجتماعی - کالبدی می نمایانند باید نه از مدل های ساده و توصیفی پاسخ فرد به محرکات محیط بلکه با تاکید بر ظرفیت مردم، و نیرو های اجتماعی و فرهنگی توصیفی عمیق تر ارائه کرد. ظرفیت و نیروهایی که مضمون اصلی فضای اطراف ما را شکل می دهد^{۲۸}. برآیند روابط و فعالیت های اقتصادی - اجتماعی و اجتماعی - فرهنگی در فرآیند تاریخ جامعه است " بنابراین از یک سو عناصر مضمون یا محتوای فضای شهری شامل مجموعه فعالیت های مربوط به نهاد های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، دینی... است و از سوی دیگر چون ظرفیت های اجتماعی دارای بعد تاریخی است و به ارزش های ماندگار و جمعی انسان ها مربوط می شود که در طول تاریخ پدید آمده و از طریق عناصر نمادین فرهنگی انتقال یافته، لذا محتوای فضای شهری در بردارنده عناصر تاریخی و پایدارتر است. منظور از عناصر پایدارتر مجموعه کیفیت ها و توانایی هایی است که فضای شهری به واسطه تاریخ میراث غنی فرهنگی و ارزش های جمعی و مشترک مردم جامعه کسب و در نمادهای فیزیکی - فضایی اش متبلور و به نسل بعد انتقال می دهد. بنابراین فضای شهری از این منظر سیستم نسبتاً پایدارتر انتقال میراث فرهنگی جامعه می شود و همین کیفیت فضای شهری است که " همین که در فضای شهر ایجاد شد به عنوان مکانیزم بزرگ برگزیننده ای عمل می کند که به گونه ای خطاناپذیر افرادی را که برای زندگی در منطقه خاص یا محیط ویژه اش از همه مناسب ترند، از میان جمعیت گزینش می کند"^{۲۹} و بر این پایه دست به طبقه بندی اجتماعی می زنند و آن را مکانی می سازند.

مطابق آنچه گفته شد، محتوای فضای شهری شامل مجموعه عناصر متغیر و نسبتاً پایدارتر است. این محتوا مشحون از تأثیر نیروهای اجتماعی و فرهنگی است و وضع آن عناصر را تعیین می کند.

" در این مرحله شهر و فضاهای آن کانون مکان های مردم، اعمال و عرصه بیان اندیشه ها، احساسات و عواطف بشری مردم است و فرم آن انطباق کامل با عملکرد آن خواهد داشت"^{۳۰}.

در ابتدای قرن بیستم با رشد جنبش ها و اندیشه های گوناگون اعم از جنبش زیبا سازی، فوتوریسم، اکسپرسیونیسم، کوبیسم، کونستروکتیویسم و سپس مدرنیسم، تلقی از مفهوم فضای شهری دستخوش دگرگونی شد. جنبش مدرن با تکیه بر کارکرد گرایی، هندسه گرایی، خرد گرایی، جدایی عناصر شهری، منطقه بندی و خلاصه کردن شهر به چهار عملکرد اصلی سکونت، کار، فراغت و رفت و آمد، فضای شهری را عملاً بدست فراموشی سپرد.

از آغاز دهه ۶۰ قرن بیستم تاکنون مفهوم فضای شهری با رجعت به کامپلوسیت، گدس، مامفورد و سایر فرهنگ گرایان و طرفداران آمایش انسانی در شهر که در زنده نگه داشتن مفهوم و اثر فضای شهری خدمت بزرگی کرده بودند، متکی به این استنباط است که: فضای شهری جزئی از ساخت شهر است " که از کلیت هماهنگ و پیوسته برخوردار بوده^{۳۱} " از حیث فیزیکی " دارای بدنه محصور کننده"^{۳۲} می باشد. این فضا باید واجد نظم و زیبایی بوده و برای فعالیت های شهر سازمان پیدا کند^{۳۳} از سوی دیگر " فضای شهری بخشی از ارگانیسم زنده شهر" است که با شرایط اجتماعی و اقتصادی و فنی در حال تغییر مرتبط است^{۳۴} محیطی اجتماعی دارد که " در بردارنده مجموعه ای از روابط میان مردم است"^{۳۵} که به مبادله " انرژی، اطلاعات، کالا، مواد و شایعات و... دست می زنند، با هم ملاقات می کنند، گرد هم می آیند"^{۳۶} و " اشکال مختلف انسجام اجتماعی را در فضا متبلور می سازند"^{۳۷} بنابراین فضای شهری عنصر اساسی " ساخت شهر است که با " قلب و کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می شود"^{۳۸}.

این استنباط از فضای شهری به رغم توجه به عوامل اجتماعی هنوز مسئله رابطه فرم و محتوا را به طور قطع حل نمی کند و هنوز بسیاری از تحلیل گران مسایل فضای شهری، این فضا را از طریق تحلیل شکل شناسانه لگوری فرم و هندسه گرایی^{۳۹} و گاه با تحلیل " گونه های فرمال"^{۴۰} و عموماً با تکیه بر " جوانب زیباشناختی"^{۴۱} تبیین کرده اند. در حالیکه، معیارهایی مانند وجود مفهوم مشترک از فضا در ذهن مردم^{۴۲}، سرمایه گذاری اجتماعی مردم و حس تملک نسبت به فضای عمومی^{۴۳}، اثری که فضا بر انسان بجا می گذارد^{۴۴}، " رفتار فرد"^{۴۵}، آمیختگی فعالیت ها و درهم آمیختگی رفتارهای انسانی و جامعه^{۴۶}، جوانب فرهنگی و نحوه کاربرد فضا توسط مردم^{۴۷}، " زمینه گرایی"^{۴۸} و موازین و هنجارهای اجتماعی به انضمام موازین کنترل اجتماعی و انطباق سازمان مفاهیم، ارتباط با فضای فیزیکی^{۴۹} و " تجربه حسی"^{۵۰} نیز به رغم آنکه شاخص های شناخت و تحلیل فضای شهری است و برخی اندیشمندان بر آن پای فشرده اند. ولی با این وجود هنوز صورتی تئوریک ندارد و این سخن که:

" هنرمند طراح با شناخت روح مشترک مردم به تبلور هنرمندانه قدرت مردم در فضا دست می زند،^{۵۱} هنوز نمی تواند راهگشای تولید فضای شهری باشد. به این ترتیب فضای شهری را نه فقط باید از طریق ویژگی های زیبایی شناختی فرم آن بلکه باید از طریق تحلیل مشخصه های محتوای آن، مورد بازشناسی قرار داد.

۲-۱- عناصر محتوای فضای شهری

۲-۱-۱- عناصر متغیر محتوای فضای شهری : فعالیت ها

فعالیت های انسانی در عرصه اجتماعی اقتصادی فرهنگی و مانند آن معطوف به هدفی معین است و ضامن بقای جامعه و تداوم بخش زندگی عمومی و اجتماعی مردمانی است که به واسطه آن به هم می آمیزند.

بسیاری از فعالیت های انسانی دارای خصلت تبعاعی اند و ضرورتاً در فضا تجلی می یابند. " فعالیت " وجه و عنصر اساسی " هر مکانی هر مکان طبیعی یا انسان ساخت بافته ایست از اشیا و فعالیت ها^{۲۱} ما اساساً مکان ها را برای تسهیل فعالیت ها می سازیم و اگر فرمی نمی ساختیم زندگی در فضایی وحشی ممکن نبود^{۲۲}.

از سوی دیگر " اجزا و عناصر مشخص و فعالیت های انسانی است که می تواند به یک فضا شخصیت و روح بخشد^{۲۳}.

فعالیت های انسانی ابعاد گوناگونی دارند و مکان های عمومی حاصل فعالیت های انسانی با ابعاد اجتماعی و عمومی است. حال اگر چنانچه فعالیت های عمومی خصلتی شهری داشته باشند و در فضایی انتظام یابند که واجد ویژگی های زیبایی شناختی باشد می تواند موجب فضای شهری شود اما انتظام فعالیت ها اهمیتی اساسی دارد. کما اینکه: اسپری ریگن " تنظیم فعالیت های شهری را عنصر اساسی طراحی شهری^{۲۴} می داند.

بنابراین انتظام فعالیت ها مهم ترین وجه شخصیت فضای شهری است و شناخت آن به مثابه شناخت مهم ترین وجه فضای شهری بوده و انتظام فعالیت هاست که به نوبه خود ، درهم آمیختگی رفتارهای انسانی جامعه را باعث میشود^{۲۵}.

البته واقعیت آنست: که ترتیب و تنظیم فعالیت یک انتزاع اساسی است و دسته بندی آنها باید بر کاری که مردم واقعاً انجام می دهند و بر نحوه ای که از محیط خود استفاده می کنند دلالت داشته باشد. دسته بندی فعالیت ها باید بگونه ای باشد که بطور همبسته بتواند رفتار عادی مردم را با مقصود معین آنها نشان دهد. یک فضای معین را می توان با دسته بندی فعالیت های مختلفی که در طول روز تغییر می کند ، مشخص کرد. مردم مختلف کارهای مختلفی انجام می دهند و بین آنها می تواند تضادها و برخوردهایی وجود داشته باشد، به ندرت بین تک تک فرم ها و فعالیت ها تطابق باشد. نمودار فعالیت ها باید دقیق و نشان دهنده هم پوشی و سازمان زمانی باشد. به این ترتیب نمودار فعالیت ها ، الگوی موجود رفتار را بیان خواهد کرد.

" فعالیت ها را باید بر اساس هم پیوندی آنها نیز طبقه بندی کرد... و بعد از طبقه بندی فعالیت ، نوبت به تحلیل پیوند های بین آنها می رسد " ^{۲۶}.

فعالیت ها را از حیث کمیت و کیفیت ، حالت ، مقیاس و مانند آن بر

حسب ۵ مشخصه قابل بررسی می دانند : (۱) نوع فعالیت (۲) تراکم فعالیت (۳) تمرکز فعالیت (۴) مقیاس فعالیت و (۵) زمان فعالیت. و از آنجا که فعالیت ها پیوندهای اساسی و مهمی با یکدیگر دارند و بین آنها از حیث تولید ، توزیع ، چرخه های فعالیت ، رابطه هم سطح ، همزمان ، ناهمزمان ، افقی ، عمودی، پیشین و پسین برقرار است لذا فعالیت ها برحسب وجوه ۵ گانه و ارتباطات دارای الگویی باشند. این الگو بیان کننده انتظام فعالیت ها است و در تحلیل عوامل سه جانبه ساختمان فضایی شهری می توان آن را به عنوان یکی از پایه های برنامه ریزی مورد شناسایی قرار داد .

فعالیت های شهری را می توان از حیث نحوه استقرار به دو دسته تقسیم کرد و الگوی هر یک و ارتباط آنها را در تحلیل فعالیت ها مورد توجه قرار داد :

۱- فعالیت های رسمی که در مکانی معین و به ثبت رسیده جریان دارد به طور پیش اندیشیده از سوی مسئولین شهر ، و طبق مقررات و ضوابط، وضعی روشن دارند . ۲- فعالیت های غیر رسمی در مکان فیزیکی به ثبت رسیده انجام نمی شود بلکه در فضای عمومی شکل می گیرد. این فعالیت ها به اشکال گوناگون در شرایطی که مسئولین شهری از ضرورت آن غافل مانده اند و یا بطور ارگانیک از مناسبات اجتماعی و اقتصادی و بازار زیر زمینی حاصل آمده اند در فضای شهر پدیدار می شوند. برای مثال اموس را پاپورت در خصوص این نوع فعالیت ها ، در شهرهای بزرگ هند می نویسد : " خیابان های شهرهای بزرگ هندوستان صحنه های عجیب و غریب از فعالیت های غیر رسمی را به نمایش می گذارد... در هندوستان خیابان در درجه اول مکانی برای وقوع معجونی از فعالیت های متعدد و متنوع است که در نتیجه انواع بو ، صدا، مناظر عجیب و غریب راه وجود می آورد. مخلوطی از حیوانات، انسان ها، موتور ، دوچرخه ، کامیون ، اتوبوس و غیره از هر طرف در حال حرکتند که بطرز ماهرانه ای در یکدیگر بافته شده اند ، فضاها پر است از مردم بالباس ها و قیافه های گوناگون ، در حال رفت و آمد ، نشستن ، ایستادن ، چمباتمه زدن ، لمیدن ، دراز کشیدن ، خوابیدن ، غذا پختن ، غذا خوردن ، اصلاح کردن ، لباس شستن و کارهای دیگری از قبیل تعمیر دوچرخه گرفته تا پنچری و صنایع دستی و خیاطی و بازی کردن و حرف زدن ، بحث و مجادله کردن ، چانه زدن ، عبادت کردن و... می باشد^{۲۷}.

فعالیت های شهری را می توان بر حسب هدفی که در برنامه ریزی و طراحی شهری دنبال می شود به سه منظور مرتب کرد : تنوع بخشیدن به فضا ، ایجاد سرزندگی و رونق اقتصادی .

به طور کلی نظام فعالیت های شهری مهم ترین وجه و عنصر شخصیت و محتوای فضای شهری است و تنها از طریق شناخت الگوی انتظام آن و پیوند های اساسی میان آنها می توان آن را تحلیل و در برنامه ریزی تولید فضای شهری به کار گرفت بی شک همانگونه که قبلاً اشاره شد محتوای فضای شهری از عنصر پایدار تری نیز برخوردار است که بدون وجود آن فضای شهری تحقق نمی یابد و آن خصلت مدنی و شهریت آن است.

۲-۱-۲- عنصر نسبتاً پایدار محتوای فضای شهری : حیات مدنی

فضای شهری بستر آن زندگی عمومی و اجتماعی جامعه است که در فرایند تحول زندگی زیستی - اجتماعی به یک زندگی اجتماعی و روان شناختی، بواسطه بن مایه های خرد گرایانه، مشارکت آگاهانه و فعالانه نظری و عملی، و اوجد کیفیتی عالی از ارزش های انسانی و مدنی شده است.

این کیفیت که چیزی جز مدنیت و یا حیات مدنی جامعه نیست، به این ترتیب، عنصر ذاتی محتوای فضای شهری است و روابط انسان ها و فعالیت های شهری را متاثر می سازد.

در بازشناسی مفهوم حیات مدنی به عنوان عنصر پایدار فضای شهری، این مفهوم معطوف به مجموعه پویاها، گرایش ها و نگرش هایی است که بر پایه عقلانیت جمعی، باورهای مردم سالاری، خود باوری، خرد گرایی و قانون گرایی است.

به عبارتی، اگر بپذیریم که تمدن همان پیشرفت هایی است که با رشد زندگی شهرنشینی و شهر گرایی پدید آمده است. چون رشد شهرگرایی متضمن عقلانیت جمعی در رفتار انسان ها، کثرت گرایی، قانون گرایی، رعایت حقوق دیگران و در یک کلام معطوف به حیات مدنی است و چون هیچ فضا و عرصه ای از عرصه های عمومی شهر عرصه ای بهتر از فضای شهری برای حیات مدنی و عناصر آن ندارد، بنابراین فضای شهری نوعی فضای عمومی است که کانون و بستر بروز حیات مدنی و شهرگرایی است.

از سوی دیگر، از آنجا که حیات مدنی مجموعه ای از نگرش ها و گرایش هایی است که مبین باورهای عالی انسانی و مشترک جماعت است و آنها از طریق نظام نمادین جامعه انتقال می یابد و نماد عنصر فرم دهنده فضای شهری است. بنابراین، فضای شهری در بردارنده نمادهایی است که عامل تداوم باورها و ارزش های جمعی و مدنی مردم و حاوی میراث فرهنگی تاریخی جامعه است و از این روست که فضای شهری بواسطه این محتوا مرکز نمادین پایداری ارزش های مردمی است که به بیان قدرت خویش می پردازند و آن را در فضا متبلور می سازند. به این ترتیب محتوای فضای شهری متضمن دو بخش پایدار و متغیر که با یکدیگر پیوندی متقابل دارند و روح مدنی جامعه در نوع ترتیب فضایی فعالیت ها متبلور و این یک به پایداری دیگری یاری می رساند فرم دهنده فضاست و مساله جدایی فرم از محتوا تنها به اتکا آن قابل حل است.

بنابراین تا زمانی که روحیه دمکراتیک و مدنی در نظام فعالیت ها و آمیختگی روابط انسانی در فضاهای عمومی تبلور نیابد و مردم فرصتی برای بیان خویش در فضا نیابند - به رغم جوانب زیبا شناختی - هنوز فضای شهری خلق نشده است زیرا فرم فضا نیز صورت خارجی و تجلی نگرش ها، گرایش ها و باور های عالی و مدنی انسان هاست و می تواند قالب هندسی خاصی نداشته باشد.

۲-۲-۲- عوامل موثر در محتوای فضاهای شهری

۲-۲-۱- نهادها

نهادها نیروی موثر جامعه است و برای بقای جامعه ضرورت دارد. نظام فعالیت ها از سوی نهادها تعیین و هدایت می شوند و تغییر و توسعه نظام

نهادها به تغییر الگوی فعالیت و به دنبال آن به تجدید ساختن فضای شهری می انجامد.

با نوشوای در خصوص این رابطه می نویسد: "تا قرن هجدهم به علت کندی تحولات اجتماعی و یگانگی نظام نهادها، باز تولید ساختار کالبدی آن (که از طریق فعالیت و جنبه تبعاعی آن انجام می شود) و از جمله شکل گیری فضای شهری در این رابطه به آسانی صورت می گرفت اما از این زمان به بعد با رشد شهرنشینی، گسترش صنایع و سرعت فزاینده سرمایه داری انطباق ساختار کالبدی و عناصر آن با ساختار نظام نهادها پیچیده تر شده ساختار شهر صنعتی نمود جامعه است. اما ساختار اقتصادی بر پایه نهادهای اقتصادی از چنان شتابی برخوردار ند که نهادهای دیگر مانند دین، خانواده و مانند آن با درجه ای از پس افتادگی به دنبال آن کشیده می شوند و اثر اصلی را ندارند" ۳۸ نیروی قوی این دوره نهادهای اقتصادی و بانکداری شامل شرکتها، صاحبان صنایع، بورس بازان و منطق سودورزی است.

۲-۲-۲- فرهنگ

"از آنجا که هر فعالیتی که توسط انسان صورت می گیرد اساساً متکی به فرهنگ است و آن فعالیت تابع خصوصیات فرهنگی جامعه است که صاحبان این فعالیت ها بدان تعلق دارند و این امر در فضاهای شهری به خصوص خیابان و میدانی به شدت مطرح است" ۳۹.

بنابراین فرهنگ مستقیماً از طریق نظام فعالیت ها و با هدایت هنجاری و ارزشی آن، با ارائه دستور العمل های معین ناظر بر انجام فعالیت، مستقیماً بر فضا و محیط شهری تاثیر می کند و فضای شهری را نیز محصولی فرهنگی می نمایاند.

واقعیت آنست که "فرهنگ بخش انسان ساخت محیط انسانی است" ۴۰ فرهنگ در اشیا و محیط فیزیکی ظاهر می شود و طرح های عمومی، طرح خانه ها و ساختارهای عمومی بطور صریح بازتاب ارزش ها و اعتقادات یک فرهنگ اند. لذا فضای شهری با محتوای عمیقاً اجتماعی به عنوان فضایی ساخته شده محصولی فرهنگی به شمار می آید.

۲-۲-۳- پویا شهرنشینی و شهر گرایی :

فرایندهای توسعه شهری و شهرنشینی به عنوان پویایی جهانی و شیوه معینی از زندگی بر وضع نهادهای جامعه موثر و تحولی عظیم در آن ایجاد کرده است.

لذا درک فرایند و الگوی نظام فعالیت ها در عرصه فضاهای شهری بدون ملاحظه روند شهرنشینی ممکن نیست. به هر صورت، از آنجا که پویا شهرنشینی مستقیماً بر وضع نهادها و به تبع آن نظام فعالیت ها موثر است، با تحول و گسترش شهرنشینی غالباً الگوی فعالیت تغییر یافته و فضا تجدید ساختن می یابد.

فرایند توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشینی غالباً شیوه زندگی متناسب خود را طلب می کند. لذا مجموعه ای از نگرش ها، موازین، اندیشه ها، هنجارها و ارزش ها و مانند آن را در روابط انسان ها توسعه می دهد که بنام شهریت یا مدنیت و یا حیات مدنی در فرهنگ شهری انسان ها جایگاه ویژه ای دارند "لذا باتوسعه شهرگرایی به عنوان شیوه معینی از زندگی عنصر حیات مدنی در فرهنگ شهری توسعه می یابد. بنابراین پویا شهرنشینی و

شهرگرایی یکی از مهم ترین عوامل موثر در محتوای فضای شهری به شمار می آید.

عوامل موثر بر محتوای فضای شهری خود متأثر از نیروهای اجتماعی و فرهنگی عمیق تری است که از طریق تأثیر حاملین یا مصادیق اش یعنی رفتار گروه های اجتماعی بر محتوا و مضمون اصلی فضا موثر می افتد.

۲-۳- نیروهای اجتماعی و فرهنگی :

نیروهای اجتماعی و فرهنگی مجموعه موازین و هنجارهای نهادین جامعه است که به واسطه ارزش ها از قدرت و نیروی لازم برای بهنجار کردن مردم برخوردار است. لذا کلیه رسوم، آداب اجتماعی، سنن، تشریفات، مناسک، قوانین، مقررات، اخلاقیات، دانش های عامه، آگاهی ها، شیوه های قومی و ارزش های ناظر بر آنها جزء نیروهای اجتماعی- فرهنگی اند. این عناصر که از کارکردهای منظم نهادها هستند، هم دارای جنبه عمومی اند و هم می توانند گروهی و طبقاتی باشند.

نیروی اجتماعی- فرهنگی را نباید با مصادیق و حاملین نیرو یعنی افراد و گروه ها یکی کرد. بسیاری از متفکران مانند هاروی با تأکید بر جنبه طبقاتی بودن جامعه، ایدئولوژی طبقاتی را نیروی اصلی می دانند و اشکال فضایی را بیان ایدئولوژی طبقاتی به شمار می آورند، در حالی که افرادی مانند گیدنز نهادها را عامل و نیروی اساسی می دانند. به هر صورت، ایدئولوژی به عنوان مجموعه اندیشه ها و اصول به هم پیوسته حقوقی، اقتصادی، دینی، اجتماعی و سیاسی مدون و نهاد به عنوان الگوی فعالیت ها که مجموعه ای از آداب و موازین آنها را در بر گرفته، جوانب تعریف فوق اند.

نیروی اجتماعی و فرهنگی بر حسب محتوای درونی سه کارکرد دارد: اول به عنوان مضمون دوران، دوم به عنوان عامل تعیین کننده نظام فعالیت و سوم به عنوان عامل تعیین کننده پایداری فضا.

نیروی اجتماعی و فرهنگی در مقیاس تاریخی و جهانی با شکل بوم شناختی جوامع رابطه ای مستقیم وجود دارد. م، توسلی در این خصوص می گوید: "نیروهای اجتماعی، فرهنگی و مانند آن در طول اعصار به شکل گیری توده و فضا منجر شده است. برای مثال، در دوران باستان نقش فلاسفه در تعیین اندازه شهر و تجلی اندیشه به صورت توده و فضا به خوبی آشکار است، در قرون وسطی شکل کوچک و فشرده شهرها به وضوح مبین تجلی سازمان های اداری، اجتماعی و صنفی به صورت محلات در شهر است در دوره رنسانس نیز ساخت شهرها به خوبی تجلی کالبدی سازمان های اداری و سیاسی جدید است" که شاهزادگان، بانکداران و بازرگانان آن را سازمان می دهند و فضاهای شهری قرن هجدهم عنصر واسطه نیازهای مردم و زمامداران بود. مرکز شهر دیگر قصر شاهزادگان و میدان محل کلیسای جامع نیست بلکه میدان شهرداری، بورس، خانه اصناف یا بازرگانان در آن قرار دارد.

در سر آغاز قرن بیست و یکم جهان ما به تدریج به عصری پا می گذارد که مضمون تاریخی- اجتماعی جدیدی را به ارمغان می آورند که ترکیب

توده - فضا و محتوای فضای شهری اثری قاطع دارد. کثرت گرایی، مشارکت فعال و همه جانبه مردم، قانون گرایی، عقلانیت، مردم سالاری و توجه به استعداد افراد جامعه و خود باوری و مانند آن مضمون واقعی این نیروهاست و تشکل فضای شهری عمیقاً از آن تأثیر می پذیرد و در آن موثر می افتد.

نیروهای اجتماعی - فرهنگی در بردارنده عناصری است که در زمان و مکان می توانند تغییر کنند. از این جمله اند: مدهای اجتماعی، ذائقه، سلیقه اجتماعی، هوس اجتماعی، مقررات اجتماعی، مکانیزم های حقوقی و اقتصادی، آداب اجتماعی، برخی مناسک و تشریفات، قدرت فرهنگی گروه های ساکن و شاغل در مکان، خاستگاه و پایگاه اجتماعی مردم، خواست ها، نیازها و انتظارات آنان که بر وضع فعالیت موثر بوده و الگوی استقرار نظام فعالیت را هدایت و تعیین می کند. به عبارتی، این نیروها در ظرفیت ساخت یابی مجدد فضای شهری مستقیماً دخالت دارند. "فرض کنید شرکت های بزرگ برای استقرار کارخانه هایشان و سایر مراکز توسعه و تحقیق مکانی را انتخاب کنند فرایند انتخاب و استقرار کارخانه و سایر مراکز وابسته ممکن است سیلی از ساختمان های اداری را در مراکز و مکان های معین براه اندازد و فضای آن را دچار دگرگونی کند"^{۲۲} بنابراین شکل فضای یک شهر تا حد زیادی با مکانیزم های حقوقی و اقتصادی رابطه دارند. البته موضوع به همین جا ختم نمی شود بلکه بعد فرهنگی این مکانیزم ها واسطه مکانیزم و شکل فضایی است. یعنی آنجا که ساختمان های عظیم سود آور می شوند پول نماد قدرت و سلطه می شود.

نیروهای اجتماعی و فرهنگی تعیین کننده عناصر پایداری فضای شهری است که خصلت ذاتی آن شده و در طول زمان به کندی تغییر می کند.

این نیروها شامل سنت ها، رسوم، دانش ها و باورهای عامه، اخلاقیات و ارزش های پایاست که گاه در قالب آئین های مذهبی و گاه در لباس آئین قومی و رسوم، الگوی رفتارند و عموماً با بار فرهنگی و روانی کیفیتی ادراکی به فضا می دهند. این نیروها عموماً حضوری پنهان دارند. به این معنا که به نظر نیستند. اما به محض برخورد با یک مسئله اجتماعی و فرهنگی حس می شوند. چیز نیست که نه در تک تک عناصر فضا بلکه در کلیت آن حضور دارند. برای مثال وقتی در میدان سن پترز هستی آن را از خلال روابط فضایی درک می کنید و حس غلبه کلیسا و آمیختگی رفتارها بوی حضور آن را به مشام می رساند و یا وقتی در مسجد شاه در میدان نقش جهان هستی به خوبی آن را از طریق روابط فضایی ادراک می کنید و این را می توان معنی پایداری فضا نامید. معنایی که به واسطه رویدادها، رسوم، سنت ها و سایر عناصر دیرنده و نسبتاً ایستای فرهنگ جامعه ته نشین می شود و از طریق نمادها که عامل اصلی انتقال اندیشه جمعی اند و فرهنگ های محلی به واسطه آن توانسته اند تداوم یابند، انتقال می یابند. با این تفسیر، این دسته از نیروهای اجتماعی - فرهنگی در فضای شهری عموماً ملبس به پوششی نمادین اند و مطابق با کاسیرر فضای نمادین نیز نامیده می شود. تجربه فضای نمادین عالی ترین مرحله تجربه فضای اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

محصول نظام عمل نیروهای اجتماعی و فرهنگی است. اما این نیروها در شرایطی که پویای مدنی جامعه، فضایی مدنی را تدارک دیده باشند، در این حال، به تولید فضای شهری منجر می‌شود.

۳- مفهوم و محتوای فضای شهری حاکی از فضای جامعه، شناختی و این فضا برآیند کلی و منطقی همه فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی منبعت از نهادها و مؤسسات اجتماعی از جمله، نهادهای مدنی است. این فضا بیش از هر فضای دیگری در شهر عرصه اعمال متقابل اجتماعی و غلبه هنجارها و موازین ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی بوده، نیازمند عقلانیت رفتاری، کنترل اجتماعی، مشارکت اجتماعی در ارزش‌ها و اعمال و بیش از سایر فضاها با سرمایه‌گذاری اجتماعی - فرهنگی مردم، عرصه بیان خویشتن مردم، آزادی، تکثر، تنوع، هماهنگی و تحمل اجتماعی است. در یک کلام فضای شهری بستر حیات مدنی جامعه می‌باشد.

۴- از آنجا که حیات مدنی مجموعه‌ای از نگرش‌ها و گرایش‌هایی است که مبین باورهای عالی انسان و مشترک جامعه است و آنها از طریق نظام نمادین جامعه انتقال می‌یابند و نمادها از مهم‌ترین نشانه‌ها و عناصر فرم فضا به شمار می‌آید لذا نمادها با وجه فرمال خود صورت خارجی حیات مدنی به شمار می‌آیند و فرم فضا را هدایت می‌نمایند بنابراین در این چارچوب و به وساطت نمادها بین فرم و محتوا تعارضی نخواهد بود و جدایی جدل آمیز فرم و عملکرد منتفی خواهد بود.

موضوع خلق فضای شهری مطلوب، پویا و سرزنده، به لحاظ کارکرد اجتماعی، روانی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی - کالبدی آن، یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط مصنوع شهری و با راهبردهای اجتماعی پیوند دارد اما مفهوم و فرآیند خلق فضای شهری در مراحل مختلف تاریخ شهرها معنایی یکسان نداشته و به لحاظ آن که شکل و محتوای آن همیشه متأثر از روح هر مرحله از تمدن است و وضع نهادها، فرهنگ و پویای شهر نشینی عوامل موثر در عناصر محتوا و شکل فضا بوده است لذا تلقی یکسانی از آن وجود ندارد. تا اوایل قرن هجدهم که میان علوم هنر ها و فلسفه جدایی نبود و نهاد های اجتماعی نسبت به یکدیگر دچار گسست و پس افتادگی نبودند شکل بوم شناختی فضا تجلی کلیت اجتماعی و فرآیند های آن بوده و تمایزی میان فرم و عملکرد نبود از اواخر قرن هجدهم موضوع جدایی جدل آمیز مبتدا و متاخر بودن فرم و عملکرد به ویژه در میان معماران رواج یافت این تلقی در اوایل قرن بیستم و به دلیل جنبش های نوگرا و دگرگونی های نهادهای اجتماعی و رشد سریع پویای شهر نشینی به اوج رسید و فضا به دلیل کارکرد گرای، هندسه‌گرایی و جدایی عناصر شهری تغییر معنادار و بادگرگونی رابطه توده و فضا عملاً فضای شهری به دست فراموشی سپرده شد.

از نیمه دوم قرن بیستم مفهوم فضای شهری با رجعت به فرهنگ گرایان و طرفداران اندیشه تداوم و آمایش انسانی در شهر مجدداً مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از اندیشمندان به آن توجه کردند. اما در این دوران نیز موضوع جدایی فرم و عملکرد همچنان باقی ماند و بررسی ها نشان می‌دهد کم توجهی به مضمون مشخص و تاریخی اینگونه فضاها و ظرفیت اجتماعی مردم در آنها یکی از علل مهم آن بوده است. بنابراین در این مقاله سعی گردید این محتوا مورد بازشناسی قرار گرفته و نقش نیروهای اجتماعی و فرهنگی در تعیین محتوای آن مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این بررسی نشان داد این کار دو مزیت دارد: یکی تعمیق مفهوم فضای شهری و دیگری شناخت عناصر محتوای فضای شهری، عوامل و نیروهای اجتماعی و فرهنگی معین کننده آن.

بر پایه بررسی‌های انجام گرفته:

۱- فضای شهری محصول نیروهای تاریخی و اجتماعی - فرهنگی جامعه است و شخصیت آن بیش از عوامل تکنولوژیکی و یا جغرافیایی و فیزیکی ناشی از عناصر متغییر فضا شامل نظام فعالیت‌ها و عناصر پایدار تر فضا شامل ظرفیت مدنی جامعه شهری است که نیروهای اجتماعی و فرهنگی جامعه از طریق عواملی مانند نظام نهادها فرهنگ و پویای شهر نشینی این عناصر را پدید آورده و به وساطت گروه‌های اجتماعی و فعالیت آنها فضای شهری را شکل می‌دهد.

۲- فضای شهری عرصه‌ای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی است که وابسته الگوی فعالیت گروه‌های اجتماعی و الگوی فعالیت گروه‌های اجتماعی

پی‌نوشت‌ها:

- 1 - Cantei , David . Environmental Perspective, P:x1
- 2 - Colouqhoun , Alan. On Modern and Post Modern Space . In Architecture Criticism Ideology P: 104
- 3 - I bid . P: 104
- 4 - Geddes Patrick . Cities in Evolution . Appendix 1
- 5 - Ibid Appendix 1.
- ۶- حمیدی و دیگران استخوانبندی شهر تهران، جلد اول، ص ۳۵ و ۳۴
- 7 - Mumford , Lewis . City in History . P11-18
- ۸- توسلی با همکاری بنیاد طراحی فضای شهری جلد ۲ ص ۱۱
- 9 - Zucker , Paul. Town and square.P:3
- 10 : Ibid . P: 5

- ۱۱ - راپاپورت منشا فرهنگی مجتمع زیستی. در تاریخ شهر نوشته جیمز موریس ترجمه رضازاده ص ۴۲۱
- 12 - Montgomery, John. Making a city . in journal of Urban Design Vol 3 No: 11
- 13 - Hillier , Bill . julienne Hanson The social Logic of space . P : 26-27
- 14- Choay , F . Urbanism and Semiology . in " Meaning in Architecture P : 27-36
- ۱۵ - شوای، فرانسواز، شهرسازی از تخیل تا واقعیت، دکتر حبیبی . ص ۲۴ و ۳۶
- ۱۶ - کریر، راب، فضای شهری، ترجمه دکتر هاشمی نژاد ص ۱۷
- ۱۷ - همان . ص ۱۷
- ۱۸ - لینچ، کوین، سیمای شهر، ترجمه دکتر مزینی، ص ۹۰
- ۱۹ - کالن، گوردن، گزیده فضای شهری، ترجمه دکتر طیبیان، ص ۲۰-۲۸
- 20- Lynch, Kevin, site planning . P:5
- ۲۱ - بیکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، ص ۲۳
- ۲۲ - حمیدی و دیگران، استخوانبندی شهر تهران. جلد اول. ص ۳۵
- 23- Spreiregen , Paul . Urban Design . P : 119-120
- 24- Trancik , Roger. Finding Lost Space . (ÝÖä 4æ 6)
- 25- Rapoport , Amos . Culture and Residential Form . P: 18
- 26- Montgomery , j . Making a city . in journal Of Urban Design . Vol 3. No : 1
- ۲۷ - بیکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، ص ۲۳.
- 28- Canter , David , Environmental Perspectives P : x1
- ۲۹ - خسروی، خسرو، جامعه شناسی ده در ایران، ص ۵۱
- ۳۰ - شکویی، دکتر حسین، جغرافیای اجتماعی شهرها، ص ۳۶-۳۷
- 31- Lynch , Kevin . Site Planning . P : 24-31
- 32- Bentley , Ian . Urban Transformation . P: 2-3
- ۳۳ - بیکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری. ص ۱۹
- 34- Spreiregen , Paul . Urban Design . P: 88
- ۳۵ - حمیدی و دیگران، استخوان بندی شهر تهران، جلد اول ص ۳۵
- 36- Lynch , Kevin . Site Planning . P: 24-31
- ۳۷ - بحرینی، دکتر حسین، تحلیل فضاهای شهری، ص ۲
- 38 - Choay.F. Urbanism And Semiology . In Meaning in Architecture. P:27-36
- ۳۹ - بحرینی، دکتر حسین، تحلیل فضاهای شهری، ص ۱
- 40- Altman , Irwin . Culture And Environment . P: 2
- ۴۱ - توسلی، محمود، طراحی فضای شهری، جلد ۲. ص ۱۶-۱۵
- ۴۲ - هاروی، دیوید، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، ص ۱۹
- زمینه های اصلی توجه برخی اندیشمندان به رابطه فضای شهری و پدیده های اجتماعی: □
 فضای شهری موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی می شود. (شوای: ۱۹۶۹)
 " فضای شهری با راهبردهای اجتماعی جامعه مربوط است (شوای: ۱۹۶۹. هانسون و هیلی یر: ۱۹۸۴).
 فضای شهری موجب گسترش حس اعتماد و اطمینان گردیده بر امنیت و کنترل اجتماعی می افزاید. (جین جیکوبز: ۱۹۶۱).
 فضای شهری مشارکت و مسئولیت شهروندان را میدان می دهد و توان خودگردانی و کنترل درونی انسان ها را ارتقا می دهد. (مامفورد: ۱۹۶۱).
 فضای شهری فرآیند اجتماعی شدن افراد را تسهیل می کند و عرصه مهم اعمال هنجارها و موازین اجتماعی است. (اموس راپاپورت: ۱۹۷۷).
 فضای شهری به تلطیف عواطف مشترک جمعی انسان ها باری میرساند و واجد کیفیت انسانی - عاطفی است (بیکن: ۱۹۷۵).
 فضای شهری میدانی برای شکل بخشیدن به انسان است. (کنزوانگه)
 فضای شهری پلی بین تکنولوژی مدرن و انسانیت است و به برقراری مجدد اهمیت انسان در محیط زیست اشاره دارد. (کنزوانگه) *
 فضای شهری نمود اهداف انسان ارگانیک است. (مامفورد: ۱۹۶۱).
 فضای شهری بیش از سایر فضاها می تواند " آرامش و امنیت "، " نظم و همیاری و تعاون "،
 " تقویت عواطف و دانش همراه با " زیبایی نمادین " را برای رشد نیروهای بالقوه انسان و چهره انسانی بخشیدن به تمدن و فرهنگ، تحقق بخشد.
 (مامفورد: ۱۹۶۱)
 فضای شهری عرصه نمایش زندگی است. (کالن: ۱۹۵۹)
 فضای شهری برای فعالیت سیاسی و نمایشات اعتراضی گیرایی ویژه ای دارد. (گیلبرت)
 فضای شهری پتانسیل زیادی برای گسترش انواع مبادلات اعم از کالا، اطلاعات، شایعات و دارد. و فضای شهری عنصر ضروری زندگی سالم شهری است (جوانا پوپینگ، نقل از کارولین فرانسواز: ۱۹۹۹).

منابع فارسی :

- ۱- آگبرن و نیکف، زمینه جامعه شناسی، اقتباس دکتر امیر حسین آریان پور، انتشارات جیبی، تهران، ۱۳۵۳.
- ۲- بحرینی، حسین، تحلیل فضاهای شهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۳- بیکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴- توسلی، محمود، طراحی فضاهای شهری، جلد ۲، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵- حمیدی و دیگران، استخوانبندی شهر تهران، جلد ۱. معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، تهران، ۱۳۷۶.
- ۶- خسروی، خسرو، جامعه شناسی ده در ایران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۷- شکویی، دکتر حسین، جغرافیای اجتماعی شهرها، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۶۹.
- ۸- شوای، فرانسواز، شهرسازی از تخیل تا واقعیت، دکتر سید محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۹- کالن، گوردن، گزیده منظر شهری، دکتر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۰- کریر، راب، فضای شهری، ترجمه دکتر هاشمی نژاد، مؤسسه چاپ و انتشارات جهاد دانشگاهی. جلد اول تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۱- گیلبرت، آلن و... شهرها، فقر و توسعه، ترجمه پرویز کریمی ناصری اداره کل روابط عمومی شهرداری تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۲- هاروی، دیوید، عدالت اجتماعی و شهر، فرخ حسامیان و دیگران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، شهرداری تهران، ۱۳۷۶.

منابع انگلیسی :

- 1 Altman, Irwin. Culture and Environment. Cambridge university Press. London. 1984
- 2 Bacon, Edmond. Design of Cities. Thames and Hudson 1973
- 3 Bentley, Ian. Urban Transformations. Routledge. New York and London. 1999
- 4 Canter, David. Environmental Perspectives. Bookfield. USA. 1988
- 5 Castells, Manuel. The Urban Question. The MIT Press. 1977.
- 6 Choay, f. Urbanism and Semiology. in Meaning in Architecture by Charles Jenckes. London. 1969
- 7 Coloquhoun. A. On Modern and Post - Modern Space. in Architecture Criticism Ideology by Joan Ockman. Princeton. New Jersey 1985.
- 8 Collins. G. Camillo Sitte : The birth of modern city planning New York: McMillan. 1975
- 9 Francois, Carolyn. People places. design Guidelines for Urban Space. Van Nostrand Reinhold. University of California. Berkeley. 1988.
- 10 Geddes, Patrick. Cities in Evolution. London. 1915.
- 11 Herbert, David. Cities in Space : city as place. Daniel Fulton Publishers. London. 1981, 1991.
- 12 Hillier, Bill. J. Gullienne Hanson. The social Logic of Space. Cambridge University Press. Cambridge. 1984.
- 13 Jacobs, J. The Death and life of Great American Cities. New York : Random House. 1961.
- 14 Krier, Rob. Urban Space. London. Academy Editions. 1979.
- 15 Lynch, Kevin. Site Planning. the MIT Press. Second Edition 1971.
- 16 Montgomery, Johan. Making a City : Urbanty, Vitality and Urban Design in Journal of Urban Design. Vol. 3. No. 1. U. K. 1988.
- 17 Mumford. L. City in History. New York. 1961
- 18 Rapoport. Amos. Human Aspects Of Urban Form. New York. Pergamon Press. 1977.
- 19 Spreiregen, Paul. D. Urban Design. Mc Grow- Hill Book. Co. 1965.
- 20 Trancik, Roger. Finding Lost space. Van Nostrand Reinhold Company. New York. 1986
- 21 Weber. Melvin. Exploration into Urban structure. University of Pennsylvania Press. 1967.
- 22 Zucker. P. Town and Square. M I T. Press. 1956.